

بررسی انگیزه‌های تجدد علمی در دوره ایلخانان (مطالعه موردی: ربع رشیدی)

بهرام کارجو اجیرلو^۱
حبیب محمدنژاد چاوشی^۲

چکیده

در سال‌های اول حمله مغول، علم و تمدن دچار رکود شد؛ اما با حضور دانشمندان و وزرای همچون خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی در دوره ایلخانان و تأسیس مرکز علمی ربع رشیدی در تبریز و متمرکز کردن علوم و دانشمندان سرزمین‌های مختلف در آن، دوره جدیدی از رونق آموزش و پژوهش علوم مختلف در تمدن اسلامی به وجود آمد. **هدف:** پژوهش حاضر با تکیه بر مطالعه موردی مرکز علمی ربع رشیدی، انگیزه‌های تجدد و احیای علمی را بررسی کرده است. **روش:** روش این پژوهش، توصیفی - تحلیلی با تکیه بر منابع دست اول در تاریخ و تمدن و آثار خواجه رشیدالدین است و ابزار پژوهش، فیش‌برداری بود. **یافته‌ها:** در بررسی تجدد علمی در دوره ایلخانان با تأسیس مرکز علمی ربع رشیدی، نقش انگیزه‌های معنوی، علمی، سیاسی - مذهبی و اقتصادی بسیار برجسته است. **نتیجه‌گیری:** ایلخانان در ایجاد برخی انگیزه‌های توسعه علمی نقش اساسی داشتند. انگیزه‌های درونی شخص خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی نیز سبب تجدد آموزش و پژوهش و تأسیس مرکز مهم و مؤثر علمی ربع رشیدی شد. بی‌شک در هر دوره‌ای، اگر انگیزه‌های عام‌المنفعه در افراد جامعه وجود داشته باشد و حاکمان نیز این انگیزه‌ها را تقویت کنند، اسباب ترقی ملت و دولت آن جامعه فراهم می‌شود.

واژگان کلیدی: تجدد علمی، ایلخانان، ربع رشیدی، رشیدالدین فضل‌الله همدانی.

◇ دریافت مقاله: 98/08/22؛ تصویب نهایی: 99/01/14.

1. کارشناس ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه شهید بهشتی تهران (نویسنده مسئول) / نشانی: تهران؛ خیابان انقلاب، کوچه اسکو، پلاک 15 / نمابر: 84222451 | Email: Bahramkarju93@gmail.com

2. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی ایران.

الف) مقدمه

«انگیزه»¹ پاسخی است که در چرایی رفتارها داده می‌شود. هرسی و بلاچارد،² نیازها و محرکات درونی فرد را انگیزه می‌دانند (هرسی و بلاچارد، 1988: 19). ولی مارشال ریو فرایندهایی مانند نیاز، شناخت، هیجان و رویدادهای بیرونی را که به رفتار، نیرو و جهت می‌دهد، انگیزه می‌نامد (مارشال ریو، 1387: 7). رایبیز در تعریف هر یک از عوامل انگیزش، نیازها را متأثر از شرایط درونی فرد؛ شناخت را شامل عقاید، باورها، رویدادهای ذهنی، انتظارات و خودپنداره‌ها؛ و رویدادهای بیرونی را مشوقهای تقویت‌کننده رفتار فرد تعریف کرده، انسانها را به دو دسته بانگیزه و بی‌انگیزه تقسیم می‌کند (رایبیز، 1388: 72). انگیزه به عوامل موجود در فرد اشاره دارد که رفتار وی را در جهت یک هدف، فعال می‌سازند. پژوهشهای انجام‌شده در موضوع انگیزش، در صدد پاسخ دادن به پرسشهایی درباره رفتار انسانهاست که با کلمه‌های سؤالی «چرا» و «به چه عللی» آغاز می‌شوند.

حمله مغول با وجود ضربه بر پیکره تمدن اسلامی، بعدها در دوره ایلخانان فضای مناسبی را ایجاد کرد تا انگیزه‌های علمی برای بازگشت به رونق علوم در بین دانشمندان و وزرای ایرانی به وجود بیاید. با حمله مغولان به سرزمینهای مسلمانان در سال 616 قمری، یکی از دوره‌های مهم تاریخ ایران؛ یعنی دوره حاکمیت مغولان آغاز شد. این هجومها به از میان رفتن حکومت خوارزمشاهیان منجر شد و سرانجام هلاکوخان توانست حکومت ایلخانی را بنیانگذاری کند.

نخست باید دانست که در دوره‌های مختلف چه انگیزه‌هایی سبب پیشرفت علمی و فرهنگی یک ملت شده است، تا بفهمیم چه انگیزه‌هایی سبب ایجاد مرکزی علمی به عظمت ربع رشیدی توسط خواجه رشیدالدین و تجدد علمی مترتب بر آن شد. بررسی‌ها، اهمیت و ضرورت جایگاه تأثیر انگیزه‌ها در ایجاد یک مرکز علمی و تجدد علمی را در دوره ایلخانان نمایان می‌کند؛ چنانکه ظهور انگیزه‌های علمی، معنوی، اقتصادی، سیاسی و مذهبی در خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی سبب تأسیس مرکز علمی و آموزشی ربع رشیدی شد. برای شناخت صحیح سبب و انگیزه‌های تأسیس مرکز علمی ربع رشیدی و بروز تجدد و پویای علمی در دوره ایلخانان، ضرورت دارد مهم‌ترین انگیزه‌ها را واکاوی کنیم تا به رابطه انگیزه و نتیجه پی برده شود.

پژوهش‌های انجام‌شده درباره مراکز علمی دوره ایلخانان از جمله رصدخانه و ربع رشیدی، درباره خود این مراکز علمی است؛ یعنی عوامل یا انگیزه‌های ایجاد این مراکز علمی برتر، مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته‌اند. سال 1348 به مناسبت ششصد و پنجاهمین سالگرد وفات خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی نشستی علمی در دانشگاه تهران و تبریز به مدیریت سید حسین نصر برگزار شد و رشیدالدین و ربع رشیدی از جوانب مختلف بررسی شدند و حاصل آن با عنوان «خطابه‌های تحقیقی درباره رشیدالدین فضل‌الله

1. Motivation

2. Hersey & Blanchard

355 ◊ بهرام کارجو اجبرلو و حبیب محمدنژاد چاوشی

همدانی (1350) به چاپ رسید. همچنین زکریا رحیمی (1396) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود در دانشگاه تبریز با موضوع «زمینه‌های اجتماعی شکل‌گیری دانشگاه ربیع رشیدی تبریز»، عوامل اجتماعی را به صورت پراکنده همچون رحله یا سفرهای علمی، از زمینه‌های شکل‌گیری ربیع رشیدی دانسته است. مقاله «ربیع رشیدی: مجتمع بزرگ وقفی، علمی و آموزشی در تبریز» نوشته سید حسین امیددانی (1378) نیز در مجله میراث جاویدان به چاپ رسید که یکی دیگر از پژوهش‌های مهم درباره نقش وقف در علم و آموزش ربیع رشیدی است و قسمتهای مختلف از جمله کاروانسراها، کتابخانه‌ها و خانقاه‌ها و ... را بررسی کرده است.

کتاب «خواجه رشیدالدین فضل‌الله» به قلم هاشم رجب‌زاده (1377)، اثر مهمی درباره رشیدالدین است. در این کتاب از مجموعه بنیانگذاران فرهنگ امروز، احوال و آثار رشیدالدین فضل‌الله همدانی، وزیر ایرانی و دانشمند عهد ایلخانان مغول در متن دوره تاریخی حیاتش بررسی شده است. موضوعات و محتوای کلی کتاب عبارت است از: مقام وزارت وضع و موقع آن، احوال رشیدالدین فضل‌الله، دارایی و درآمد رشیدالدین فضل‌الله، دین و اعتقاد مذهبی رشیدالدین فضل‌الله، خصوصیت اسلامی و ایرانی، اندیشه سیاسی رشیدالدین، مفهوم ایرانی حکومت و سلطنت، تدابیر حکومتی و اصلاحی رشیدالدین، ماهیت و هدف سیاست و اصلاحات رشیدالدین، رشیدالدین و جامع‌التواریخ، نوشته‌های علمی و ادبی رشیدالدین و مقام علمی او. در هیچ یک از آثار مذکور، به انگیزه‌های خواجه رشیدالدین فضل‌الله در تأسیس ربیع رشیدی پرداخته نشده و این انگیزه‌ها صرفاً به صورت پراکنده در متون تاریخی با تحلیل قابل استنباط است.

ب) روش پژوهش

در این پژوهش ابتدا با نگاهی توصیفی و کوتاه، زندگی خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، سابقه ربیع رشیدی و وضعیت علوم در اوایل دوره ایلخانان بیان شده است تا زمینه‌های برای موضوع اصلی پژوهش قرار بگیرد. سپس موضوع اصلی؛ یعنی انگیزه‌های خواجه رشیدالدین در ایجاد مرکز آموزشی و پژوهشی ربیع رشیدی که سبب تجدد علمی در این دوره شد، بررسی و تحلیل خواهد شد.

ج) رشیدالدین فضل‌الله همدانی و ربیع رشیدی

خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی در سال 648 قمری در همدان و در خانواده‌ای یهودی که پیشه اصلی افراد آن پزشکی بود، متولد شد و در دوره جوانی اسلام آورد (زریاب خوبی، 1350: 123-135). وی نیز در علم پزشکی تحصیل کرد و در دوره اباقا خان (حک: 663-680) مورد توجه ایلخانان قرار گرفت و در شمار پزشکان معتبر درآمد (منشی کرمانی، بی‌تا: 112). وی در آغاز کار، علاوه بر طبابت، بعضی از امور دیوانی را نیز بر

356 ♦ بررسی انگیزه‌های تجدد علمی در دوره ابلخانان

عاهده داشت و از همان زمان به کارهای علمی و فرهنگی توجه و علاقه خاصی نشان می‌داد؛ چنانکه در دوره اباقا خان برای سفارت و بررسی گیاهان دارویی و آوردن نمونه‌های نایاب آن به ایران، رهسپار هند شد. (همدانی، 1358: 148؛ مورتون،¹ 1999: 155)

در عهد گیخاتو (حک: 690.694 ق.) به خواجه رشیدالدین پیشنهاد وزارت شد، اما وی بنا به مصلحت آن را نپذیرفت (منشی کرمانی، بی‌تا: 113). غازان در سال 697 قمری وزارت خود را به سعدالدین ساوجی و خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی واگذار کرد (دیاج، 1346: 74). اوج ترقی خواجه نیز در همین دوره بود؛ زیرا علاوه بر وزارت، تولیت موقوفات غازان خان را در شنب‌غازان بر عهده داشت. این خود بعدها فرصتی برای ایجاد انگیزه علمی برای ساخت مرکز علمی و همچنین دادن مأموریت تألیف کتاب جامع‌التواریخ به وی شد. اما قبل از اتمام کتاب، غازان در گذشت و برادرش اولجایتو به جای وی به حکومت رسید. با این حال، رشیدالدین و خواجه سعدالدین ساوجی همچنان وزارت اولجایتو را بر عهده داشتند؛ اما پس از مدتی، اختلافاتی بین دو وزیر به وجود آمد که در نهایت به قتل سعدالدین ساوجی منجر شد. (حافظ ابرو، 1317: 49-50)

اولجایتو، خواجه تاج‌الدین علی‌شاه را به سبب کیاست و نکته‌دانی، با خواجه رشیدالدین در وزارت شریک کرد و مقرر شد خواجه علی‌شاه زیر نظر خواجه رشیدالدین فضل‌الله به اداره مملکت مشغول شود و مهر و نشان وزارت و امور مالی در اختیار خواجه علی‌شاه قرار گیرد. ولی پس از مدتی میان آن دو نیز اختلاف پدید آمد و اولجایتو برای حل اختلاف، اداره ولایت ایران را بین آن دو تقسیم کرد. اما همچنان اختلاف بین دو وزیر ادامه داشت (کاشانی، 1348: 196-195). در نهایت، خواجه رشیدالدین در دوره ابوسعید با توطئه خواجه علی‌شاه به قتل رسید. (سمرقندی، 1372: 63؛ حافظ ابرو، 1317: 78)

رشیدالدین که در دوران حکومت غازان خان و اولجایتو و سالهای نخست حکومت ابوسعید بهادرخان وزارت داشت، در صدد فرو کاستن و ترمیم اثرات حمله مغول برآمد و در چارچوب همین اهداف، مجتمع علمی و آموزشی ریح رشیدی را در تبریز تأسیس کرد. (مستوفی، 1336: 87؛ جلیلی و غفوریان، 2015: 41)

مجموعه آموزشی و پژوهشی ریح رشیدی ابتدای قرن هشتم هجری در شمال شرقی تبریز در دامنه کوه ولیان و منطقه‌ای خوش آب و هوا ساخته شد (مستوفی، 1336: 76). این مجتمع از سه قسمت تشکیل شده بود: «ریح رشیدی» به عنوان مرکز آموزشی، مهم‌ترین قسمت مجموعه بود که ربض و شهرستان رشیدی حول آن احداث شده بود و از چهار بخش روضه، خانقاه، دارالضیافه و دارالشفای تشکیل می‌شد (همدانی، 1350: 41، 148-145). «شهرستان رشیدی» مجتمع بسیار بزرگ ساختمانی، متشکل از چندین محله، خیابان و کوچه و

357 بهرام کارجو اجبرلو و حبیب محمدنژاد چاوشی

مکانهای رفاهی، آموزشی و اقتصادی بود (همان: 176-175، 188). «ربص رشیدی» نیز محله اعیان‌نشین و دارای کاخهای مخصوص برای خانواده خواجه رشیدالدین و غلامان و مسئولان امنیتی بود. (همان: 176-175)

ربع رشیدی بعد از قتل خواجه رشیدالدین و تحت تأثیر تبلیغات مخالفان وی به غارت رفت (خواندمیر، 1353، ج 3: 201). ولی با روی کار آمدن خواجه غیاث‌الدین محمد، فرزند رشیدالدین که به وزارت ابوسعید بهادر (حک: 736-717 ق.) برگزیده شد، ظاهراً ربع رشیدی به فعالیتش ادامه داد، اما نتوانست گذشته‌اش را بازیابد و رو به افول رفت. (همان: 224-215)

د) وضعیت علوم در اوایل دوره ایلخانان

نظام‌الملک، پرچمدار نهضت بزرگ آموزشی و نخستین کسی بود که تأسیس مدارس را جزء برنامه‌ها و وظایف دولت قرار داد و این روش او، مورد تقلید و پیروی همه حکومت‌های اسلامی قرار گرفت. همچنین برای اولین بار کمک‌هزینه‌های معین و مخصوص برای دانشجویان در نظر گرفت که سرمشق مراکز علمی و پژوهشی قرار گرفت (سیوطی، 1305: 185؛ غنیمه، 1364: 118). اسلام آوردن ایلخانان به تدبیر وزرا و عمال ایرانی، سبب تجدید حیات دینی، علمی و فرهنگی شد. وزرا و دانشمندان ایرانی با فرصتی که در اوایل دوره ایلخانان برای آنان فراهم شد، توانستند لطمات حمله مغول را سامان بخشند. خواجه نصیرالدین طوسی در دوره ایلخانان، اولین فرهنگستان علوم اسلامی را در مراغه برپا کرد و فیلسوف، منجم، فقیه و پزشک را در آنجا گردآورد و شخصاً وارد دقیق‌ترین ظرایف ریاضیات زمان خود شد. او به الهیات هم اهتمام کامل داشت و جهان‌بینی اسلامی بر تمام فکرش حاکم بود. (گلشنی، 1393: 12)

پس از خواجه نصیرالدین طوسی، علوم اسلامی دچار رکود شد؛ اما با ظهور خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، وزیر دانشمند، تجدد علمی رخ داد. وی شهر سلطانیه را اعتبار بخشید و مسجد و مدرسه و خانقاه در آن شهر تأسیس کرد و مدرّسان، معیدان، معلمان و طلاب را به تعلیم و تربیت در این مراکز فراخواند و از محل موقوفات، حقوق و مستمری کافی برای هر طبقه مقرر ساخت و همچنین شنب‌غازان را که مجتمع معماری بود، ایجاد کرد. (صفا، 1363: 18؛ اتینگهاوزن و همکاران، 1384: 165)

اولجایتو در سالهای اول سلطنت، شهر مهم و بزرگی را به نام سلطانیه ساخت. وی در بنای سلطانیه، همان راهی را که غازان در ساختن شنب‌غازان تبریز پیش گرفته بود، دنبال کرد و ابنیه بسیاری از جمله: مدارس، مساجد، خانقاه و دارالشفا بنا کرد و مدرّسان و علما و اهل بحث و درس را برای حضور در این مراکز فراخواند. (اقبال، 1384: 310)

بعد از دوره خواجه نصیرالدین طوسی، ایلخانان به کمک دولتمردان دانشمند و فرزانه ایرانی، همچون خواجه رشیدالدین و تاج‌الدین علیشاه گیلانی، حرکتی تازه را برای ادامه حیات محافل علمی و گرد آمدن دانشمندان به دور هم شروع کردند. (زرین کوب، 1385: 370)

ه) انگیزه‌های رشیدالدین در ساخت مرکز آموزشی پژوهشی ربع رشیدی

با کسب موقعیت و فرصت مناسب، انگیزه‌های تجدد علمی از لحاظ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به وجود آمد. این انگیزه‌ها حاصل تلاش وزرا و دانشمندان ایرانی و همچنین توجه ایلخانان مغول به دین اسلام بود و ایجاد و توسعه حوزه‌های علمی و اسلامی، تشویق و احترام علما، ترویج فوق‌العاده دانش و فرهنگ اسلامی را به دنبال داشت. رشیدالدین فضل‌الله در جهت ترمیم خرابی‌ها و تجدد آموزش و پژوهش و احیای فرهنگ با ایجاد مراکز مختلف علمی، تلاش بسیار کرد. (همدانی، 1379: 172؛ مورتون، 1999: 188)

در این دوره، خواجه رشیدالدین برای تأسیس یک مرکز علمی جامع، انگیزه‌های مهم و تأثیرگذاری داشت که با در نظر گرفتن آنها توانست به هدف خود؛ یعنی تجدد آموزش و پژوهش با مرکزیت ربع رشیدی نایل شود. مهم‌ترین انگیزه‌های تأثیرگذار در خواجه رشیدالدین عبارتند از: انگیزه معنوی؛ انگیزه علمی؛ انگیزه سیاسی - مذهبی و انگیزه اقتصادی. در ادامه به بررسی هر یک از این انگیزه‌ها می‌پردازیم.

1. انگیزه معنوی و احیای فرهنگ وقف

در طول دوره‌های تاریخی، انگیزه‌های معنوی سبب انجام کارهای عام‌المنفعه به شمار می‌رفت؛ زیرا در اسلام کارهای عام‌المنفعه جزء آثار ماتاخر محسوب می‌شوند؛ یعنی بعد از درگذشت بانی، ثواب کارش همیشه در آخرت به وی می‌رسد. از این رو، در طول تاریخ، حاکمان و بزرگان و ثروتمندان و دانشمندان با چنین انگیزه‌ای به کارهای خیرخواهانه اقدام می‌کردند.

آنچه رشیدالدین را به تأسیس مرکز علمی واداشت، به قول خودش، باقی گذاشتن نام نیک بود. بدین منظور، او سه معیار اصلی عقل، عرف و شرع را برای به ثمر رساندن اندیشه نیک خود برگزید. انگیزه اصلی وی از تأسیس این مجتمع دانشگاهی، بنای مجموعه‌ای برای تحقق ایده باقیات‌الصالحات بوده است؛ زیرا خواجه بهترین اعمال صالحه را وقف قلمداد کرده و سپس عمل خویش را از نظر کیفیت و کمیت، برتر از هر نمونه‌ای تا آن زمان در سرزمین اسلامی دانسته است. همچنین وی در اثر خود گزارش می‌دهد که احداث اماکن خیر، از اوایل جوانی منظور نظر او بوده است. در واقع؛ انگیزه معنوی، مهم‌ترین انگیزه خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی در تأسیس مرکز آموزشی و پژوهشی ربع رشیدی بود. چنانچه در اسلام به تحصیل علم و دانش، سفارش و ثواب اخروی بیشتری نسبت به عبادت برای آن لحاظ شده است؛ لذا

انگیزه مهمی در اقدامات علمی به شمار می‌رفت. همچنین در دوره ایلخانان مغول به دلیل وجود تساهل و تسامح، رغبت بیشتری در ایجاد انگیزه معنوی برای انجام کارهای خداپسندانه به وجود می‌آورد. این نوع انگیزه تأثیر کلی در دوره ایلخانان داشت؛ یعنی انگیزه معنوی در توجه به علم و دانش و ایجاد مراکز علمی، هم در بانی آن، هم در حاکم حکومت و هم در دانشمندان و مردم آن دوران تأثیر مهمی داشت و از نظر دینی دیدگاه مثبتی بدان داشتند و در مجموع، مورد پذیرش عموم جامعه ایران آن دوره بود.

رشیدالدین فضل‌الله پس از بیان اعمال حسنه و سیئه از دیدگاه اسلام و مشخص کردن انواع آنها و ارتباط این اعمال با زندگی در دنیا و آخرت، در باب توجیه وقف که در راه کسب علم اختصاص داده می‌شود، می‌گوید: «به حکم حدیث نبوی که جهت بعضی احوال آدمی بعد از مردن خبر داده و فرموده که: *اذا مات الانسان انقطع منه عمله الا من ثلثه، لا من صدقه جاریه او علم ینفع به او ولد صالح یدعوا له*^۱ (نیشابوری، 1334-1329: ح 4310). رشیدالدین در تفهیم این امر بیان می‌کند که انسان با مدت عمر محدود خود و به هم آمیختن اعمال سیئه و حسنه، لاجرم باید چاره‌ای برای موفقیت در دنیای دیگر اندیشه کند. همچنین وی در توجیه این امر که با آوردن اعمال نیک در مزرعه آخرت سعی در کسب کردن و ایجاد اعمال حسنه در دنیا است. اکثر محدثان منظور از صدقه جاریه را وقف تفسیر کرده‌اند؛ چون درجات و درکات ثواب و عقاب و تفاوت آن با اعمال صالحه و غیر صالحه است و فرموده که این اعمال از مرده منقطع نمی‌شود؛ پس باید تا وقتی آثار اعمال به مرده می‌رسد که در نتیجه آن کمال یا گناه در آخرت حاصل می‌شود.

2. انگیزه علمی

علم و تمدن اسلامی بعد از حمله مغول با ظهور خواجه نصیرالدین طوسی دوباره پویا شد. خواجه با حمله مغول، برای مصون ماندن از خطرات احتمالی این حمله و بنا به قولی دیگر برای در امان ماندن از آزار اهل سنت، دربار اسماعیلیه را به عنوان مأمن خود برگزید و به دلیل برخورداری از توانایی علمی بالا، نزد اسماعیلیه، به خواجه کائنات شهرت یافت (آقزایی، 1362: 47). وی در سال 647 قمری با شروع حاکمیت هلاکو در ایران، به خدمت او درآمد و زمینه شکوفا شدن وی در دل بحران حمله، پدیدار شد (سمرقندی، 1372: 121؛ زهتابی، 1347: 483). انتخاب وی به عنوان مشاور عالی هلاکو (اسفزاری، 1961: 220) از عوامل پیشرفت در امور علمی، به خصوص رشته نجوم و تأسیس رصدخانه شد. (زرین کوب، 1385: 370؛ مورتون، 1999: 179)

حضور دانشمندان و وزرای ایرانی در دربار ایلخانان سبب علمی دوستی حاکمان ایلخانی شد. دانشمندان ایرانی در این شرایط آماده رونق دادن به علوم شدند؛ زیرا از یک طرف خودشان به تجدد علمی

۱. زمانی که انسان می‌میرد، اعمالش از او منقطع می‌شود جز سه عمل: صدقه و خیراتی که جریان یابد (مثل ساخت پل، مسجد و مدرسه)، عملی که منفعت داشته باشد و فرزندی صالح که دعاگوی پدرش باشد.

360 ♦ بررسی انگیزه‌های تجدد علمی در دوره ایلخانان

بعد از افول علوم نیاز داشتند و از طرف دیگر، تأثیر این اندیشمندان ایرانی در ایلخانان، حاکمان ایلخانی را در حمایت از علوم تشویق کرد و از نهایت امکانات برای بازگشت به دوره طلایی علوم بهره بردند و در دوره خواجه رشیدالدین با تأسیس مرکز آموزشی و پژوهشی بدان نایل شدند.

یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های خواجه رشیدالدین در تأسیس ریح رشیدی، گردآوری علمای علوم مختلف در یک محل و استفاده از آنان برای پیشبرد علمی و فرهنگی بوده است؛ زیرا همیشه در این فکر بود تأسیساتی به وجود آورد که در آن، مجمعی از علما و دانشمندان را مستقر سازد تا باعث توسعه علوم و رشد تمدن ایرانی و اسلامی شود. بدین منظور دست به تأسیس ریح رشیدی زد تا بتواند به مقصود خویش نایل شود (همدانی، 1350: 21). ریح رشیدی به عنوان مجتمع علمی و آموزشی برای متمرکز ساختن انواع علوم؛ یعنی علوم عقلی و نقلی، از جمله: شرع، طب، ریاضیات، فلسفه و... ایجاد شد (همان: 173). رشیدالدین که علاقه خاصی به جذب دانش و دانشمندان داشت، علاوه بر تأسیس ریح رشیدی به عنوان یک مرکز آموزشی و پژوهشی، چند مرکز آموزشی دیگر همچون مدرسه و بیمارستان نیز ایجاد کرد. در این دوره با وجود تأثیرات حمله مغول، وحدت جهان اسلام چندان محفوظ ماند که در مسائل و امور طبی و علمی، ارتباط سریع میان سرزمینهایی که بسیار با یکدیگر فاصله داشتند، برقرار بماند (نصر، 1393: 226؛ رهنما، 1350: 118؛ رجب‌زاده، 1377: 29). خواجه رشیدالدین همیشه طبق برنامه دقیق و منظم، مراقب بود با ایجاد مراکز علمی، از یک سو دانشمندان را در آنجا جمع کند و از سوی دیگر، از وجود آنها نهایت استفاده را در رونق علوم به عمل آورد. تنها در کوچه علما، 400 عالم و دانشمند در ریح رشید با مزایای کامل منزل داشتند و در کوی طلاب که مجاور کوچه علما بود نیز هزار طلبه علم و شایق علوم از اقصی نقاط بلاد اسلامی گرد آمده بودند. (همدانی، 1350: 142؛ رهنما، 1350: 116)

از برجسته‌ترین انگیزه‌های خواجه رشیدالدین، رشد علم و شریعت اسلام بود (همدانی، 1350: 135، 221). عشق و علاقه خواجه رشیدالدین به نشر علوم و معارف، او را بر آن داشت که دستگاه عظیم ریح رشیدی را در جوار شهر تبریز تأسیس کند که آنجا محصلین و مدرسین علوم اقامت کنند و وقت خود را به مباحثه و مذاکره و آموختن بگذارند. رشیدالدین در ریح رشیدی، مرکز آموزشی و پژوهشی ممتازی به وجود آورد که از علوم چینی، هندی و رومی بیزانسی در آن تدریس می‌شد. با زبانهای چینی، یونانی، مغولی، ترکی، علاوه بر زبانهای فارسی و عربی در این مرکز آشنایی وجود داشت و آوازه شهرت آن از پکن تا قسطنطنیه طنین افکنده بود. (نصر و همکاران، 1350: 4؛ جلیلی و غفوریان، 2015: 43)

از دیگر انگیزه‌های خواجه رشیدالدین، علم‌دوستی حاکمان مغول بود که سبب شد وی با تکیه بر چنین انگیزه‌ای، اقدام به تأسیس مراکز آموزشی و پژوهشی کند. از جمله این حاکمان، ابوسعید پادشاهی کریم و علم‌دوست بود. در عهد او علوم و ادبیات رونق بسیار داشت که البته اعتبار عمده آن به برکت وجود وزیر فضل‌پرور، رشیدالدین و پسرش غیاث‌الدین محمد بود. (اقبال، 1384: 245؛ مرتضوی، 1370: 332)

361 بهرام کارجو اجبرلو و حبیب محمدنژاد چاوشی

رونق علم طبابت، یکی از انگیزه‌های خواجه رشیدالدین در ایجاد ریح رشیدی بود. از آنجا که خواجه خود طبیب بود و طبابت در آن روزگار مورد نیاز جامعه ایران بود، بدین سبب به این حوزه بسیار توجه داشت و بر آن بود تا وسایل مورد نیاز طبیبان را از اقصی نقاط دنیا فراهم آورد. گویا شرط مذهب در این بخش جاری نبود؛ زیرا خواجه رشیدالدین در مکاتب خود از 50 طبیب هندی، چینی، مصری و شامی یاد می‌کند که هر کدام آموزش 10 دانشجو را بر عهده داشتند (همدانی، 1379: 319). حضور این طبیبان از سرزمینها، اقوام و ادیان متفاوت، نشان می‌دهد که شرط داشتن مذهب شافعی، به معنای جلوگیری از حضور عالمان سایر مذاهب و ادیان در ریح رشیدی نبود و جایی که لازم بود و امکان آن وجود داشت، علم بر تعصب دینی ترجیح داده می‌شد. (عالم‌زاده و ریاحی، 1388: 25)

3. انگیزه سیاسی - مذهبی

حکمرانان ایلخانی به تدریج با فرهنگ اسلامی ایران خو گرفتند و دلبستگی در آباد کردن آنچه خود یا پدرانشان ویران کرده بودند، در وجودشان پیدا شد و با حمایت حاکمان مغول و توسط وزرا و دانشمندان باکفایت ایرانی، اقدام به تأسیس مدارس و مراکز آموزشی و پژوهشی کردند. حمایت ایلخانان مغول در تجدید آموزش و پژوهش انگیزه برجسته‌ای داشت؛ اما بخشی به وجود شکوفایی دانش در تبریز آن دوران، با وجود استقرار دولتی ضعیف از لحاظ فرهنگی و علمی و سیاسی بود. ایلخانان صحرانشین بودند و به زندگی شهری و اداره امور مملکتی آشنایی کافی نداشتند و کار آنها فقط جنگ و تسخیر بلاد بود. لذا آنان سیستم اداری تمدن اسلامی را در سایه نخبگان سیاسی و علمی همچون رشیدالدین فضل‌الله همدانی اقتباس کردند. این جریان موجب بروز علم‌دوستی حاکمان مغول و در نتیجه، حمایت از ایجاد مراکز علمی شد و همدانی با تکیه بر این رویکرد، دست به تأسیس ریح رشیدی زد. (همدانی، 1373: ج 2؛ 718؛ ابن ططقی، 1360: 21؛ خواند میر، 1353: ج 3؛ 103؛ ورجاوند، 1366: 122)

تأسیس ریح رشیدی توسط خواجه رشیدالدین با شرایط سیاسی و مذهبی رابطه متناظر داشت. حاکمان مغول به عنوان عناصر غیر بومی و غیر ایرانی، نیازمند کسب مشروعیت و استحکام موضع خود بودند. به نظر می‌رسد با وجود تشرّف آنها به اسلام، نبود نهاد دینی در غیاب دستگاه خلافت عباسی که آنها را به رسمیت بشناسد، راه را بر وارد آوردن اتهام نامشروع بودن از سوی ممالیک مصر به عنوان تنها مدعی حکومت مشروع دینی در جهان اسلامی که پذیرای فرزند آخر خلیفه عباسی نیز بودند، هموار کرد (رجب‌زاده، 1377: 66). از همان ابتدا راهکارهایی از جمله: ایجاد مراکز دینی و علمی، وحدت ملی و ارادت ایلخانان به مذهب تشیع مورد توجه قرار گرفت (رجب‌زاده، 1377: 69؛ مورتون، 1999: 158). با وجود پایبندی خواجه رشیدالدین، اهتمام و اصرار بر مذهب شافعی، برخاسته از شرایط سیاسی و مذهبی دوره او بود. ضربه سهمناک مغولان بر پیکره مذهب سنت از یک سو و اقبال و توجه ایلخانان به مذهب تشیع از سوی دیگر، همچنین مناقشات درازمدت

362 ♦ بررسی انگیزه‌های تجدد علمی در دوره ابلخانان

حنفیان و شافعیان، او را بر آن داشت تا با احیای آموزش رسمی مذهب شافعی، خودآگاهی سنیان ایران به ویژه شافعیان را نسبت به جایگاه خویش در قلمرو اسلامی در شرایط جدید ارتقا بخشد. (رجب‌زاده، 1377: 91)

4. انگیزه اقتصادی

مال و ثروت در هر دولتی، شاه‌رنگ حساس آن دولت است و هیچ دولتی بدون پشتوانه مالی که بتواند در امور ذی‌ربط هزینه کند و بدون منابع درآمدی که بتواند نیازهای مالی خود را با آن برطرف سازد، نمی‌تواند پابرجا بماند.

از مهم‌ترین انگیزه‌های خواجه رشیدالدین در تأسیس ریح رشیدی، توجه به درآمد مالی بود. وی برای این منظور، علاوه بر آموزش و پژوهش، ریح رشیدی را تبدیل به یک شهر صنعتی و اقتصادی کرد که دارای کارخانه‌های متعدد و کم‌نظیر بود (مرتضوی، 1370: 261). ریح رشیدی اولین شهر صنعتی - دانشگاهی در جهان بود که خارج از مرکز تبریز ساخته شد. این شهر، بزرگ‌ترین مکانی بود که بر اساس سنت دینی بنا نهاده شد و کارکرد آموزشی و پژوهشی، اقتصادی، بازرگانی و ... داشت. این مجتمع دارای 24 کاروانسرای رفیع، 1500 حجره، 30 هزار خانه و حمام، کارخانه‌های نساجی و کاغذسازی و رنگرزی، دارالضرب و ... بود. (همدانی، 1358: 288؛ مورتون، 1999: 171)

خواجه رشیدالدین در زمان وزارت خود به لحاظ قدرت و ثروت در موقعیت مناسبی قرار داشت و برای تحقق اهدافش از همه نیروها استفاده می‌کرد (کی‌نژاد و اسکویی، 1390: 139). اگر یکی از انگیزه‌های رشیدالدین را از تأسیس ریح رشیدی، بنای یک مجموعه عظیم وقفی بدانیم، خواجه نصیرالدین نیز درآمدهای وقفی را پشتوانه مالی رصدخانه مراغه قرار داده بود. پس می‌توان گمان برد که کار خواجه نصیرالدین، اساس کار خواجه رشیدالدین واقع شده است. (کی‌نژاد و اسکویی، 1390: 28)

نکته دیگری که درباره انگیزه خواجه رشیدالدین در تأسیس ریح رشیدی می‌توان گفت اینکه، خواجه از این موقوفه‌سازی علاوه بر کسب ثواب آخرت، رعایت جانب فرزندان را نیز در نظر داشته است؛ زیرا با شناختی که از دشمنانش داشت، پیش‌بینی می‌کرد پس از مرگش، فرزندان از دارایی پدر بهره‌مند نشوند! لذا با وقف اموال می‌کوشید فرزندان را در مقام متولی قرار دهد و حفظ میراث خود را برای آنان تضمین کند. حافظ ابرو نخستین مورّخی است که ادعا می‌کند ریح رشیدی بعد از مرگ خواجه رشیدالدین مورد غارت و تخریب قرار گرفت و دیوان، املاک آن را مصادره کرد. (حافظ ابرو، 1317: 127)

خواجه رشیدالدین برای تأمین منابع مالی این هدف، توجه ویژه‌ای به وقف داشت. وجود این منبع مالی بزرگ، زمینه‌ای شد تا خواجه با اندیشه متمرکز کردن علوم و عالمان جهان اسلام در یک مرکز آموزشی و پژوهشی و حمایت مالی از آنان، تمام امکانات رفاهی را برای زندگی در ریح رشیدی فراهم کند. وی چندین روستا و آبادی پردرآمد را وقف این مرکز علمی کرد تا دانشمندان در هر نقطه از سرزمین جذب

363 بهرام کارجو اجبرلو و حبیب محمدنژاد چاوشی

این مرکز شوندهمدانی، 1350: 37، 131-132، 148-149؛ رهنما، 1350: 118). خواجه رشیدالدین برای حمایت مالی، امکانات رفاهی برای کارکنان ربح رشیدی ایجاد کرده بود؛ از جمله اینکه مسکن آنها در اطراف ربح رشیدی بود و از خدمات درمانی رایگان بهره می بردند و در صورت درگذشت بیماران بی بضاعت، هزینه کفن و دفن آنان از موقوفات ربح رشیدی پرداخت می شد (همدانی، 1350: 142؛ مورتون، 1999: 164). همچنین برای علما و دانشمندانی که در ربح رشیدی فعالیت می کردند، مقرری تعیین کرده بود. (همدانی، 1358: 68-73)

(و) بحث و نتیجه گیری

آبراهام مازلو،¹ فردریک هرزبرگ² و کلیتون آلدرفر،³ نیاز را مهم ترین عامل انگیزش می دانند. نظریه این سه نفر را در خصوص انگیزه، نظریات محتوایی می گویند. ولی اشخاصی مانند استاسی آدامز⁴ و ویکتور روم،⁵ عامل انگیزش را فراتر و وسیع تر از نیاز دانسته، عدالت و حقیقت جویی و فضایی از این جنس را نیز عامل انگیزشی می دانند. آنان معتقدند اهداف، محرک بیرونی اند و همانند نیازها، عامل انگیزشی اند. دیدگاه این دانشمندان به نظریه های فرایندی معروف است (مورهد و گرین، 1382: 92). در منابع اسلامی عواملی مانند حقیقت جویی، فضیلت خواهی، زیبایی طلبی، گرایش به خیر و فضیلت و حس مذهبی یا عشق و پرستش نیز باعث ایجاد انگیزه در انسان معرفی شده اند (بخنی، 1380: 56). انگیزه های خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی در تأسیس ربح رشیدی، اعم از انگیزه های علمی، سیاسی، معنوی، مذهبی و اقتصادی که در این تحقیق آمده را نمی توان با نظرات مازلو یا هرزبرگ توضیح داد؛ چون نیاز، محرک ایشان برای این کار نبوده؛ ولی با نظریات آدلر و آدامز و روم تا حدودی قابل توضیح است و البته می توان آن را مبتنی بر منابع ناب دینی؛ یعنی قرآن، بهتر و دقیق تر تبیین کرد. آدلر، سوابق یا محیط فرهنگی انسان را عامل مهمی در تعیین نوع نیاز و تقدم آن بر سایر نیازها در ایجاد انگیزه می داند و انگیزه های علمی، سیاسی و غیره را جزء رفتارهایی می داند که تحت تأثیر نیاز رشد، تحقق یافته است. از دیدگاه آدامز و روم، این عوامل، فضیلت محسوب می شوند و جزء نیازهای عالی بشرنند. در مباحث انگیزشی، این نوع نظریه ها را فرایندی می نامند (مورهد و گرین، 1382: 112). ولی شاید بهترین نظریه توضیح دهنده رفتار خواجه رشیدالدین، قرآن باشد که انگیزه ها را محدود به نیازها یا حتی فضایل نمی داند و اهداف والای دینی را نیز جزء عوامل انگیزشی می داند. البته همان طور که در مقدمه بیان شد، رابینز اهداف را به عنوان محرک بیرونی و عامل انگیزشی پذیرفت.

1. Abraham Maslow
2. Frederick Herzberg
3. Clayton Alderfer
4. Stacey Adams
5. Victor Room

مطلب دیگری که باید در اینجا بحث شود، وجود همزمان انگیزه‌های مختلف مادی و معنوی در خواجه رشیدالدین است که نظریه پردازانی چون مازلو نمی‌پذیرند که با وجود یک طبقه از نیاز یا علت انگیزشی، فرد بتواند از عامل انگیزشی طبقه بالاتر متأثر شود؛ یعنی تا وقتی نیاز مادی انگیزه رفتار فرد است، سایر نیازهای طبقات بالا، مثل خودشکوفایی نمی‌توانند برانگیزاننده او باشند. گفتنی است که نظریه پردازان بعد از مازلو، مثل آدلر، این قسمت از دیدگاه او را مورد خدشه قرار داده، امکان تجمع انگیزه‌های مختلف برای یک رفتار را در یک انسان پذیرفته‌اند.

فرهنگ تساهل و تسامح یا به تعبیر دینی، مدارا با انسانها بدون در نظر گرفتن رنگ پوست، طبقه اجتماعی، تعلق به طایفه یا قبیله، عقاید و نژاد، از پایه‌ای‌ترین عوامل توسعه و شکل‌گیری تمدن‌هاست و ایلخانان، متأثر از فرهنگ اسلامی ایرانی دانشمندان بزرگ ایرانی، چنین فرهنگی داشتند و این مهم‌ترین عامل انگیزشی در خواجه رشیدالدین بود که در این تحقیق از آن به عنوان انگیزه سیاسی - حکومتی یاد شد. این انگیزه در کنار انگیزه اقتصادی؛ یعنی در نظر گرفتن آینده فرزندان در نظریه هرزبرگ، عوامل اساسی و پایه‌ای در مقایسه با سایر عوامل محسوب می‌شوند.

با تکیه بر آنچه در این مقاله پژوهش شد، می‌توان نتیجه گرفت که وجود انگیزه در هر انسان یا دولتی، مهم‌ترین عامل رفتار تجدد و ترقی‌گرایانه آنهاست؛ همان‌طور که در دوره ایلخانان با وجود برج ماندن آثار تخریب مغول، دانشمندان و وزرای ایرانی همچون خواجه نصیرالدین طوسی و خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی با انگیزه‌هایی که داشتند، توانستند فرهنگ و تمدن اسلامی را در ایران احیا کنند. بعد از دوره خواجه نصیرالدین طوسی که علوم دچار رکود شده بود، رشیدالدین در دوره وزارت خود با تکیه بر وقف، انگیزه‌هایی در وی به وجود آمد که سبب ایجاد مرکز علمی و آموزشی مجتمع بزرگ ربع رشیدی شد. این انگیزه‌ها در حوزه‌های معنوی، علمی، سیاسی - مذهبی و اقتصادی، رشیدالدین را تحت تأثیر قرار دادند و با تأسیس این مرکز، تجدد علمی در این دوره به وقوع پیوست و دانشمندان و به تبع آنها علوم و انباشته‌های علمی مختلف بشری از سرزمینهای مختلف در این مرکز جمع شدند و سبب پویایی فرهنگ و تمدن اسلامی شدند. گفتنی است که هر دولت و جامعه‌ای که انگیزه رشد و پیشرفت تمدنی در افراد و جمع‌ها مشاهده کرد، بایستی با تمام توان آنها را مورد حمایت و تشویق قرار دهد؛ زیرا جوامع با انگیزه‌های قوی و دارای جهت صحیح توسعه می‌یابند، نه با امکانات مادی.

خواجه رشیدالدین، اهل علم و ادب بود و فضای خالی علوم و مراکز علمی را در زمان خود احساس می‌کرد. از سوی دیگر، اعتماد ایلخانان به او و داشتن روحیه تساهل و تسامحی که بیشتر تحت تأثیر وزرا و دانشمندان ایرانی بود و نیز در اختیار داشتن موقوفات، شرایط را برای تجدد علمی در دوره ایلخانان مهیا کرد. در نتیجه، خواجه رشیدالدین، وزیر ایلخانان، اقدام به تأسیس مرکز علمی آموزشی و پژوهشی ربع رشیدی در تبریز کرد و این اقدام سبب تجدد علوم و فرهنگ و تمدن اسلامی در دوره ایلخانان شد.

حدود 700 سال پیش، خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی با تکیه بر منبع غنی وقف در فرهنگ اسلامی، توانست بنیاد علمی و آموزشی‌ای را تأسیس کند که از نظر بازدهی و برنامه‌ریزی آموزشی، نه تنها در زمان خود، بلکه قرن‌ها پس از آن نیز در جهان کم‌نظیر بوده است. این رشد در سایه انگیزه‌های متأثر در خواجه رشیدالدین به وجود آمد. اما متأسفانه طی قرون بعدی، جوامع اسلامی و حکومت‌های آنها کمتر به گسترش بنیادهای وقفی علمی و آموزشی توجه کردند تا به تدریج نقش وقف در گسترش علوم و فنون و اداره امور مراکز تحقیقاتی علمی به فراموشی سپرده شد. در حالی که در کشورهای غربی، به خصوص در قرن حاضر، بنیادهای وقفی علمی و آموزشی گسترش یافت و زمینه پیشرفت و توسعه آن کشورها را فراهم ساخت. در دوره معاصر، جامعه اسلامی می‌تواند با تأکید بر وقف، توسعه علم و دانش و در نتیجه پیشرفت و رفاه اجتماعی را فراهم سازد.

پیشنهادها

با توجه به نتایج پژوهش، راهکارهای مؤثر در تحقق اهداف اسلامی شدن دانشگاه‌ها به شرح ذیل پیشنهاد می‌شود:

- توانمندسازی فکری اساتید، تشکیل کارگاه‌های دانش‌افزایی دینی و کارگاه‌های بصیرت:
 - تشکیل جلسات اسلامی شدن دانشگاه به صورت ماهیانه، با حضور ذی‌نفعان و مدیران و اساتید فرهیخته و دانشجویان پژوهشگر برای ارائه راه‌حلهایی به منظور حل موانع به صورت تدریجی، در قالب‌های جذاب و متناسب با سلیقه جوانان؛
 - فراهم آوردن زمینه مشارکت سرمایه فکری برای تولید ایده، تبادل و اجماع عقاید و شناساندن هویت ایرانی - اسلامی به دانشجویان و ایجاد پیوندی راهگشا میان فرهنگ سنتی و فرهنگ جدید:
 - ایجاد زمینه کار عملی و پژوهشی، شکوفا کردن و پرورش استعداد دانشجویان از طریق تشکیل کارگاه‌ها؛
 - برگزاری همایش‌ها و گردهمایی‌ها برای آشناسازی دانشگاهیان با موضوع و مؤلفه‌ها و شاخصه‌های اسلامی شدن دانشگاه و معرفی افراد نخبه و موفق به خصوص برای دانشجویان جدیدالورود؛
 - برگزاری مسابقه‌هایی با ارزشهای فرهنگی - تربیتی در دانشگاه در زمینه‌های قرآنی و دینی.
- با توجه به نتایج به دست آمده، برای گویه‌های مؤلفه‌های فرهنگی - تربیتی و آموزشی که بیشترین میانگین را کسب کرده‌اند، پیشنهادهای کاربردی ذیل ارائه می‌شود:
- الگوهای متعالی، بالنده و محبوب فرهنگی به فضای دانشگاه در راستای برگزاری جلسات و تدریس در کلاسهای آموزشی معرفی و ارائه شود.

366 ♦ بررسی انگیزه‌های تجدد علمی در دوره ابلخانان

- انجام پایش و ارزیابی مستمر کیفیت آموزشی، متون علمی و گزینش اخلاقی استادان، دانشجویان و کارکنان، بر اساس ارزشهای اسلامی و دینی در ضرورت کاری قرار گیرد.
- برنامه‌ریزان فرهنگی و دانشجویی دانشگاه از طریق برگزاری جنگهای فرهنگی و هنری، بازدیدهای علمی- فرهنگی، اردوهای مختلف و برگزاری مسابقات ورزشی و هنری، بستر مناسبی برای ایجاد نشاط و امید به آینده در دانشجویان، کارکنان و اعضای هیئت علمی فراهم کنند.
- اتاقهای فکر، جلسات گفتگو، کرسی‌های آزاداندیشی و جلسات نقد و ارزیابی به صورت حضوری یا از طریق شبکه‌های اجتماعی، اقدام مؤثر و مساعی به عمل آید.
- با اجرای فرصتهای مطالعاتی با رویکردهای آموزشی، از اساتید با ایده‌های آموزشی نو حمایت شود.
- برای حداکثر تعامل بین دانشجویان، اساتید و مدیران نظام علمی برای اداره دانشگاه، فضای تحول‌آفرین و بالنده‌ای از جمله ایجاد مراکز تحقیقات دانشجویی برای هر گروه تحصیلی استقرار یابد.
- از تمامی ظرفیتهای منابع انسانی از جمله: مهارتها، دانش و تجربه و رقابت شایستگی‌های محوری برای تولید دانش و مرزشکنی دانش برای دستیابی مزیت رقابتی و اقتدار علمی در دانشگاه استفاده شود.
- برنامه‌های مناسب برای طراحی و استقرار فناوری اطلاعات در نظام علمی و شبکه‌های مجازی متناسب با اهداف دانشگاه، از جمله تولید محتوای الکترونیکی علمی و فیلمهای آموزشی و... تدوین شود و از اساتید و دانشجویان متخصص در این زمینه مساعدت و همکاری لازم به عمل آید.
- در انتخاب منابع و متون و عناوین ارائه‌شده به دانشجویان نظارت مستمر توسط اساتید فرهیخته صورت گیرد. همچنین تعامل با استادان و تفویض مسئولیتهای مربوط به تیمهای علمی برای ایجاد فضای معنوی در حین فرایند آموزش در راستای ارتقای علم و آموزش صورت گیرد.
- حمایت‌های معنوی و مادی دانشگاه از نخبگان صورت گیرد؛ از جمله تخصیص امتیازات ویژه به آنان، عطای بورسیه تحصیلی و



منابع

- آقسرای، کریم (1362). مسامره الاخبار و مسایره الاخبار. به تصحیح و اهتمام عثمان توران. تهران: اساطیر.
- ابن طقطقی، محمدبن علی (1360). تاریخ فخری. ترجمه محمدوحید گلپایگانی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اینتنگهاوزن و همکاران (1384). ایلخانان. ترجمه یعقوب آژند. تهران: مولی.
- اسفزاری، محمد الزمعی (1961 م). روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات. به کوشش محمد اسحاق کلکنه: مطبعه اروپا.
- اقبال آشتیانی، عباس (1384). تاریخ مغول از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری. تهران: امیرکبیر.
- بخشی، علی اکبر (1380). «مبانی اتنیزشی از دیدگاه اسلام». معرفت، ش 50.
- حافظ ابرو، شهاب‌الدین (1317). ذیل جامع التواریخ رشیدی. به کوشش خان‌بابا بیانی. تهران: شرکت تضامنی علمی.
- خواندمیر، غیاث‌الدین (1353). تاریخ حبیب السیر. زیر نظر محمد دبیرسیاقی. تهران: خیام.
- دیباج، اسماعیل (1346). آثار باستانی و ابنیه تاریخی آذربایجان. تهران: شورای مرکزی.
- رابینز، استیفن پی (1388). رفتار سازمانی. ترجمه علی پارسیان و محمد اعرابی. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- رجب‌زاده، هاشم (1377). خواجه رشیدالدین فضل‌الله. تهران: طرح نو.
- رهنما، مجید (1350). مجموعه خطابه‌های تحقیقی درباره رشیدالدین فضل‌الله. تهران: دانشگاه تهران.
- زریاب خویی، عباس (1350). «سه تخته درباره رشیدالدین فضل‌الله». مجموعه خطابه‌های تحقیقی درباره خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی. تهران: دانشگاه تهران.
- زرین کوب، عبدالحسین (1385). گذشته ادبی ایران. تهران: سخن.
- زهتابی، محمدرضا (1347). شخصیت‌های نامی ایران. تهران: پدیده.
- سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق (1372). مطلع السعدین و مجمع البحرین. به کوشش عبدالحسین نوایی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر (1305). تاریخ الخلفاء امیرالمؤمنین. بیروت: بی‌نا.
- صفا، ذبیح‌الله (1363). تاریخ ادبیات در ایران. تهران: فردوسی.
- عالم‌زاده، هادی و اعظم ریاحی (1388). «آموزش نظامیه بغداد و ربع رشیدی». فقه و تاریخ تمدن، سال پنجم، ش 19: 45-21.
- غنیمه، عبدالرحیم (1364). تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی. ترجمه نورالله کسایی. تهران: یزدان.
- کاشانی، ابوالقاسم (1348). تاریخ اولجایتو. به اهتمام میهن همبلی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- کی‌نژاد، محمدعلی و آریتا اسکویی (1390). بازآفرینی ربع رشیدی بر اساس متون تاریخی. تبریز: آثار هنری متنی.

368 ♦ بررسی انگیزه‌های تجدد علمی در دوره ایلخانان

- گلشنی، مهدی (1393). از علم سکولار تا علم دینی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مارشال ریو، جان (1387). انگیزش و هیجان. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: ویرایش.
- مرتضوی، منوچهر (1370). مسائل عصر ایلخانان. تبریز: آگاه.
- مستوفی، حمدالله (1336). تاریخ گزیده. به اهتمام عبدالحسین نوایی. تهران: امیرکبیر.
- منشی کرمانی، ناصرالدین (بی‌تا). نسام الاسحار من لطانم الاخبار در تاریخ وزراء. به کوشش میر جلال‌الدین حسینی ارموی. تهران: دانشگاه تهران.
- مورهد، کرگوری و ریکی گریفین (1382). رفتار سازمانی. ترجمه غلامرضا معمارزاده و مهدی الوانی. تهران: مروارید.
- نصر، حسین (1393). علم و تمدن در اسلام. ترجمه احمد آرام. تهران: علمی و فرهنگی.
- نصر، حسین؛ مجتبی مینوی و همکاران (1350). مجموعه خطابه‌های تحقیقی درباره خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی. تهران: دانشگاه تهران.
- نیشابوری، مسلم بن حجاج (1329-1334). صحیح مسلم. استانبول: دارالطباعة العامره.
- ورجاوند، پرویز (1366). کاوش رصدخانه مراغه. تهران: امیرکبیر.
- همدانی، خواجه رشیدالدین (1373). جامع التواریخ. به تصحیح محمد روشن و مصطفی ضمیری. تهران: اقبال.
- همدانی، خواجه رشیدالدین (1358). سوانح الافکار رشیدی. به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه. تهران: دانشگاه تهران.
- همدانی، خواجه رشیدالدین (1379). مکاتبات رشیدی. گردآوری محمد ابرقوهی. به کوشش محمد شفیع. تهران: امیرکبیر.
- همدانی، خواجه رشیدالدین (1350). وقف‌نامه ربیع رشیدی. به کوشش ایرج افشار و مجتبی مینوی. تهران: آثار ملی.
- Aghsarai, Karim (1983). *Mosamerato Al-Akhbar and Mosayera Al-Akhbar*. Corrected by Osman Turan. Tehran: Asatir.
- Alemzadeh, Hadi & Azam Riahi (2009). "Military Training in Baghdad and Rabi-Rashidi". *Specialized Quarterly Journal of Jurisprudence and History of Civilization*, Year 5, No. 19: 21-45.
- Attinghausen & et al. (2005). *Ilkhanan*. Translated by Yaghoub Azhand. Tehran: Molly.
- Bakhshi, Ali Akbar (2001). "Fundamentals of Motivation from the Perspective of Islam". *Knowledge*, No. 50.
- Dibaj, Ismail (1967). *Ancient Monuments and Historical Buildings of Azerbaijan*. Tehran: Central Council. Azerbaijan. Tehran: Central Council.
- Esfzari, Mohammad Al-Zamji (1961). *Rawzat al-Jannat fi Awsaf Medinat Herat*. By the Efforts of Mohammad Ishaq. Calcutta: European Press.

- Ghanima, Abdul Rahim (1985). **History of Major Islamic Universities**. Translated by Noorullah Kasaei. Tehran: Yazdan.
- Golshani, Mehdi (2014). **From Secular Science to Religious Science**. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies.
- Hafiz Ebru, Shahabuddin (1938). **Below of Jame al-Tavarikhe Rashidi**. Khan Baba Bayani. Tehran: Scientific Cooperative Company.
- Hamedani, Khajeh Rashid al-Din (1971). **Waqf Nameh of Rabi- Rashidi**. The Efforts of Iraj Afshar & Mojtaba Minavi. Tehran: National Works.
- Hamedani, Khajeh Rashid al-Din (1979). **Savaneh al-Afkar of Rashidi**. By the Efforts of Mohammad Taghi Daneshpajoo. Tehran: University of Tehran.
- Hamedani, Khajeh Rashid al-Din (1994). **Jame al-Tavarikh**. Edited by Mohammad Roshan and Mostafa Zamiri. Tehran: Iqbal.
- Hamedani, Khajeh Rashid al-Din (2000). **Mokatebat-e Rashidi**. Collected by Mohammad Abarkoohi. By the efforts of Mohammad Shafie. Tehran: Amirkabir.
- Hersey J.E. & Blanchard (1988). **Management of Organizational Behavior**. Prentice - Hall, 5th Edition.
- Ibn Taqtaqi, Muhammad ibn Ali (1981). **Fakhri History**. Translated by Mohammad Vahid Golpayegani. Tehran: Book Translation and Publishing Company.
- Iqbal Ashtiani, Abbas (2005). **The History of the Mongols from the Invasion of Genghis Khan to the Formation of the Timurid State**. Tehran: Amirkabir.
- Jalili, Leila & Mitra Ghafourian (2015). "Comparative Study of Khaje Rashid Al-Din Viewe an Rab-e Rashidi Islamic utopia and Kevin Lynch Ideas". *International Journal of Archaeology*, 39-47.
- Kashani, Abolghasem (1969). **History of Oljaito**. With the Care of Mihan Hambali. Tehran: Book Translation and Publishing Company.
- Keynejad, Mohammad Ali & Azita Oskooi (2011). **Recreating Rabi-Rashidi Based on Historical Texts**. Tabriz: Textual works of art.
- Khwandamir, Ghiasuddin (1974). **History of Habib Al-Seer**. Under the Supervision of Mohammad Dabir Siyaghi. Tehran: Khayyam.
- Marshall Rio, John (2008). **Motivation and Excitement**. Translated by Yahya Seyed Mohammadi. Tehran: Virayesh Publishing.
- Monshi Kermani, Naser al-Din (as). **Nasaim al-Ashar Min Latayem al-Akhbar in the History of Ministers**. By the Efforts of Mir Jalaluddin Hosseini Armavi. Tehran: University of Tehran.
- Moorhead, Gregory & Reiki Griffin (2003). **Organizational Behavior**. Translated by Gholamreza Memarzadeh & Mehdi Alwani. Tehran: Morvarid.
- Morgan, D.O. (1994). "**Rāshid Al-Dīn Tabīb**". *Encyclopedia of Islam*. 8 (2nd ed.). Brill Academic Publishers. P. 145-148.
- Mortazavi, Manouchehr (1991). **The Ilkhanate Period Issues**. Tabriz: Agah.

- Morton, A.H. (1999). "The Letters of Rashid al-Din: Ilkhanid Fact or Timurid fiction?". In: R. Amitai-Preiss & D.O. Morgan. *The Mongol Empire and Its Legacy*, P. 155-199.
- Mostofi, Hamdollah (1957). **Selected History**. By Abdul Hussein Navai. Tehran: Amir Kabir.
- Nasr, Hossein (2014). **Science and Civilization in Islam**. Translated by Ahmad Aram. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company.
- Nasr, Hossein; Mojtaba Minavi & et al. (1971). **Collection of Research Sermons on Khajeh Rashid al-Din Fazlullah Hamedani**. Tehran: University of Tehran.
- Neyshabouri, Muslim ibn Hajjaj (1950-1955). **Sahih Muslim**. Istanbul: Dar Al-Taba'a Al-Amra.
- Rahnama, Majid (1971). **Collection of Research Sermons on Rashid al-Din Fazlullah**. Tehran: University of Tehran.
- Rajabzadeh, Hashem (1998). **Khajeh Rashid al-Din Fazlullah**. Tehran: New Plan.
- Robbins, Stephens P. (2009). **Organizational Behavior**. Translated by Ali Parsaeian & Mohammad Arabi. Tehran: Cultural Research Office.
- Safa, Zabihullah (1984). **History of Literature in Iran**. Tehran: Ferdowsi.
- Samarkandi, Kamaluddin Abdul Razzaq (1993). **Matla Al-Saadin and Majma Al-Bahrain**. Thanks to the efforts of Abdul Hussein Navai. Tehran: Institute of Cultural Studies and Research.
- Suyuti, Abd al-Rahman ibn Abi Bakr (1926). **History of the Caliphs of the Amir al-Mu'minin**. Lebanon: Beirut.
- Varjavand, Parviz (1987). **Explore the Maragheh Observatory**. Tehran: Amirkabir.
- Zarrinkoob, Abdolhossein (2006). **The Literary Past of Iran**. Tehran: Sokhan.
- Zaryab Khoei, Abbas (1971). "Three Points about Rashid al-Din Fazlullah". *Collection of Sermons, Research on Khajeh Rashid al-Din Fazlullah Hamedani*. Tehran: University of Tehran.
- Zehtabi, Mohammad Reza (1968). **Famous Personalities of Iran**. Tehran: Padideh.

